

ماه‌های مشهور است.<sup>۵</sup> در اصطلاح، این ترکیب بر ماه‌های مخصوص حج دلالت دارد.<sup>۶</sup> «أشهر معلومات» معادل با «أشهر حج» به کار می‌رود و مصداق هر دو یکی است.

این اصطلاح یک بار در قرآن کریم به کار رفته است. خداوند در آیه ۱۹۷ بقره/۲ می‌فرماید: حج در ماه‌های معین است و در آن نباید با زنان آمیزش کرد و نیز از گناه و جدال در آن باید دور بود: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» در این آیه، وصف «معلومات» به هنگامی معین برای انجام فریضه حج اشاره دارد و نشان می‌دهد که اعمال حج همچون نماز، اوقات مخصوص دارد<sup>۷</sup> و در غیر این ماه‌ها محقق نمی‌گردد. بر پایه روایات، حج دقیقاً باید در همان هنگام‌هایی انجام گیرد که پیامبر ﷺ حج را به جا می‌آورد و پیش و پس در آن جایز نیست.<sup>۸</sup> پس تقدیر آیه چنین است: «أشهر الحج، أشهر معلومات» یا «وقت الحج أشهر معلومات».<sup>۹</sup> بر پایه روایتی، همه

(م. ۱۰۸۵.ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ معجم مقاییس اللغة: احمد بن فارس (م. ۳۹۵.ق.)، به کوشش عبدالسلام، مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المفصل: جواد علی، دار الساقی، مكتبة المدينة المنورة، ۱۴۲۲ق؛ نهاییة الارب: احمد بن عبدالوهاب النویری (م. ۷۳۳.ق.)، قاهره، دار الکتب و الوثائق، ۱۴۲۳ق؛ النهایه: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶.ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

محمود گودرزی



### أشهر معلومات: ماه‌های مخصوص حج

این ترکیب از دو کلمه «أشهر» جمع «شهر» و «معلومات» جمع «معلومه» برگرفته شده است. «شهر» در لغت بر وضوح و روشنی دلالت دارد<sup>۱</sup> و به هر ۳۰ روز، برابر با یک ماه، «شهر» گویند.<sup>۲</sup> وجه این نام‌گذاری آن است که ماه‌های سال میان مردم وضوح و شهرت دارند.<sup>۳</sup> «معلوم» اسم مفعول از علم، ضد «جهل» است.<sup>۴</sup> «أشهر معلومات» به معنای

۵. لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۱، «شهر».

۶. كشف الرموز، ج ۱، ص ۳۳۸؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۲۸؛ معجم

لغة الفقهاء، ص ۷۰.

۷. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۷۱.

۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۷؛ الانتصار، ص ۲۳۶؛

التهدیب، ج ۵، ص ۵۱.

۹. الانتصار، ص ۲۳۶؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تذكرة الفقهاء،

ج ۷، ص ۱۸۵.

۱. العین، ج ۳، ص ۴۰۰؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۳؛ لسان

العرب، ج ۴، ص ۴۳۱، «شهر».

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۳؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۶۷؛

«شهر».

۳. لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۲، «شهر».

۴. العین، ج ۲، ص ۱۵۲؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۷، «علم».

پیامبران الهی مانند آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی: و محمد ﷺ در این هنگام معین حج به جا می‌آوردند و همین تا قیامت سنتی در میان فرزندانسان شد. از این جهت، این هنگام به ماه‌های مشهور وصف شده است.<sup>۱</sup>

#### ◀ شهر معلومات پیش از اسلام: پیش

از اسلام نیز هنگامی مخصوص برای حج وجود داشته است. مردم جاهلی از آغاز ماه شوال خود را برای حج آماده می‌کردند<sup>۲</sup> و سه ماه شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه را به حج اختصاص می‌دادند.<sup>۳</sup> عمره نزد مردم آن روزگار، شعائری مستقل به شمار می‌آمد. آنان می‌کوشیدند انجام عمره با روزهای حج هم‌زمان نگردد؛<sup>۴</sup> زیرا انجام عمره را در روزهای حج ناروا<sup>۵</sup> و از بزرگ‌ترین گناهان می‌دانستند.<sup>۶</sup> آن‌ها بهترین هنگام انجام عمره را ماه رجب می‌شمردند.<sup>۷</sup> اما پس از اسلام، انجام

عمره در روزهای حج جایز شد. از دید اسلام، انجام عمره در هر هنگامی از سال ممکن است.<sup>۸</sup> تنها شماری اندک، عمره گزاردن را در روزهای عرفه و عید قربان و دو روز تشریق و برخی در همان دو روز و سه روز تشریق جایز نمی‌دانند.<sup>۹</sup>

#### ◀ شهر معلومات در آیه اَهْلَهُ: خداوند

در آیه ۱۸۹ بقره/۲ در پاسخ به پرسش درباره «هلل‌های ماه»، آن‌ها را اوقاتی برای مردم و حج می‌شمرد: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاَهْلَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» از ظاهر آیه برمی‌آید که همه ماه‌ها در جواز حج یکسان هستند.<sup>۱۰</sup> در رد این سخن گفته‌اند: اولاً آیه بر مفهوم عام هلال یعنی ماه‌ها دلالت دارد و با آیه ۱۹۷ بقره/۲ به ماه‌های معین اختصاص یافته است. پس «اهله» که در این آیه همه ماه‌ها را شامل می‌شود، در آیه ۱۹۷ بقره/۲ به روزهای حج محدود شده است.<sup>۱۱</sup> ثانياً مقصود آیه این است که برخی ماه‌ها برای تجارت و کسب مردم و بعضی ماه‌ها (شوال، ذی‌قعدة، و ذی‌حجه) ویژه حج هستند.<sup>۱۲</sup> این پاسخ درخور نقد

۱. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳۳، ۴۰۴.  
 ۲. المفصل، ج ۶ ص ۳۵۰.  
 ۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۸۹؛ احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۱۸۶.  
 ۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۳۷؛ نیل الأوطار، ج ۵، ص ۳۱؛ المفصل، ج ۶ ص ۳۹۲.  
 ۵. نک: السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۴۵؛ احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۳۷.  
 ۶. نک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۵۶؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۳۴؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۲۰۶.  
 ۷. المفصل، ج ۶ ص ۳۹۲.

۸. من لا یخضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۸؛ المحلی، ج ۷، ص ۶۷-۶۸؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۶۰.  
 ۹. المحلی، ج ۷، ص ۶۷-۶۸؛ الخلاف، ج ۲، ص ۲۶۰.  
 ۱۰. نک: الانتصار، ص ۳۳۷؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.  
 ۱۱. احکام القرآن، شافعی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۴۰۶.  
 ۱۲. نک: الانتصار، ص ۳۳۷؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.

باقی است.<sup>۶</sup> مالکیان نیز بر همین باورند و به دلالت صیغه جمع بر دست کم سه چیز<sup>۷</sup> و نیز روایتی از عمر بن خطاب استناد می‌کنند.<sup>۸</sup>

۲. از ماه شوال تا دهم ذی‌حجه: برخی از شیعیان به پشتوانه روایتی از امام باقر علیه السلام باور دارند که اشهر معلومات دو ماه و ۱۰ روز از اول شوال تا دهم ذی‌حجه است.<sup>۹</sup> در تأیید این نظر چنین استدلال کرده‌اند که اولاً بخشی از یک ماه به منزله همه آن است و به کار بردن جمع برای کمتر از سه ماه کامل روا است.<sup>۱۰</sup> ثانیاً گاه صیغه جمع بر مثلاً اطلاق می‌شود.<sup>۱۱</sup> ثالثاً فعل به زمان نسبت یافته و همان‌طور که مقصود از «صلیة یوم الجمعة» سراسر روز نیست، مقصود از اشهر، همه سه ماه نیست.<sup>۱۲</sup> در این میان، شماری روز دهم را در اشهر معلومات درون نمی‌دانند و آن را تا پایان لیلۃ النحر و طلوع فجر دهم محدود کرده‌اند؛ زیرا با طلوع فجر روز دهم، زمان وقوف که از ارکان حج است،

است؛ زیرا آیه اقتضا می‌کند که همه ماه‌ها برای کسب و کار و حج باشند و عطف «الحج» به «للناس» مفهوم اشتراک را می‌رساند؛ یعنی هم تجارت و هم حج به صورت مشترک در همه ماه‌ها انجام می‌گیرند.<sup>۱</sup> ثالثاً عمومیت «أهلّه» در مورد احرام حج است، نه اعمال حج. یعنی احرام را در هر هنگامی می‌توان انجام داد؛ اما اعمال حج هنگام ویژه دارد.<sup>۲</sup>

#### ◀ تعیین حدود اشهر معلومات: در

تعیین مصداق «أشهر معلومات» میان شیعه و سنی اختلاف چندانی نیست. در این زمینه، سه دیدگاه وجود دارد:

۱. شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه: این دیدگاه در روایتی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام آمده<sup>۳</sup> و گروهی از دانشوران شیعه بر پایه آن فتوا داده‌اند.<sup>۴</sup> افزون بر آن، چنین استدلال می‌کنند که اشهر بر جمع دلالت دارد که کمتر از سه نیست.<sup>۵</sup> همچنین بسیاری از اعمال حج همچون طواف، سعی و ذبح تا پس از روز دهم و تا پایان ذی‌حجه بر صحت خود

۶. التبیان، ج ۲، ص ۱۶۲؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴؛ تذکرۃ الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۳-۱۸۵.

۷. المحلی، ج ۷، ص ۶۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۲۲۳.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۳.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۹۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۷؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۳.

۱۰. الانتصار، ص ۳۳۴؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۱۱. التبیان، ج ۲، ص ۱۶۳؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴.

۱۲. التبیان، ج ۲، ص ۱۶۳؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲-۴۳؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۱. الانتصار، ص ۲۲۷؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.

۲. احکام القرآن، جصاص، ج ۱، ص ۳۰۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۲۵.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ۳۱۷؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۱؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۲، ۴۵۷؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۶؛ المغتبر، ج ۲، ص ۷۸۰.

۵. تذکرۃ الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۰-۲۷۱؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۰۳.

می‌گذرد<sup>۱</sup> و نیز در آیه فعل «فَرَضَ» به معنای وجوب حج به کار رفته و با طلوع روز دهم، فرض حج منتفی می‌شود.<sup>۲</sup> از میان اهل سنت نیز حنفیان<sup>۳</sup> و حنبلیان<sup>۴</sup> دو ماه و ۱۰ روز را روزهای حج می‌دانند و همان ادله شیعه را یاد کرده و نیز به روایتی از عبدالله بن عمر استناد جسته‌اند.<sup>۵</sup> اما شافعیان ۱۰ شب و ۱۰ روز را زمان حج می‌دانند و باور دارند که روزهای حج با طلوع فجر روز دهم به پایان می‌رسد؛ زیرا با طلوع فجر برخی ارکان از جمله وقوف زایل می‌شود<sup>۶</sup> و نیز فرض حج که در آیه یاد شده، پس از طلوع فجر دهم منتفی می‌گردد.<sup>۷</sup> برخی این نظر را نپذیرفته و در نقض آن گفته‌اند: شب و روز از معدودهایی هستند که همیشه با هم یاد می‌شوند و ذکر یکی با صیغه جمع، دیگری را نیز در بر می‌گیرد. پس آن‌گاه که گفته شود: ۱۰ شب، ناگزیر ۱۰ روز را نیز شامل می‌شود.<sup>۸</sup> در زیر مجموعه دیدگاه دوم، سخنی کمیاب نیز گزارش شده که اشهر معلومات را دو ماه و ۱۰

روز و ۱۰ شب دانسته و لیلۃ النحر را از روزهای حج نشمرده است.<sup>۹</sup>  
 ۳. سه ماه شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه، مخصوص حج؛ و رجب مخصوص عمره: به این چهار ماه «اشهر الحرم» نیز گفته شده که البته با ماه‌های حرام مشهور (ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرّم و رجب) تفاوت دارد. در این زمینه، به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد شده است.<sup>۱۰</sup>  
 به هر روی، همه مذاهب اسلامی، انجام حج را تنها در اشهر معلومات روا دانسته و در غیر آن جایز نشمرده‌اند. اختلاف تنها در تعیین حدود آن است. (← حج)

#### ◀ منابع

احکام القرآن: ابن ادریس الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، به کوشش عبدالغنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق؛ احکام القرآن: ابن العربی (م. ۵۴۳ق.)، به کوشش محمد، لبنان، دار الفکر؛ احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه؛ الانتصار: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش عاملی، قم، دفتر

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۵۸؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۲۴؛ المعتمد، ج ۲، ص ۷۸۰.
۲. تذکرۃ الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۴.
۳. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۲۲۴؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۲۹.
۴. احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۱۸۶.
۵. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۵۰؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۳۴۲.
۶. المبسوط، ج ۴، ص ۶۱؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۲۲۴.
۷. احکام القرآن، شافعی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۲۲۴.
۸. المبسوط، ج ۴، ص ۶۱؛ تذکرۃ الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۴-۱۸۵.

۹. فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۶۸؛ تذکرۃ الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸۴؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۰.
۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۶؛ المراسم العلویه، ص ۱۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷۳.

الاندلسی (م. ۴۵۷ق.)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفکر؛ **مختلف الشیعه**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ **المراسم العلویه**: سلار حمزة بن عبدالعزیز (م. ۴۴۸ق.)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمی لاهل البيت (ع.ع.)، ۱۴۱۴ق؛ **مروج الذهب**: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **المعتبر**: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش گروهی از فضلا، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۴ش؛ **معجم لغة الفقهاء**: محمد قلعه‌جی، بیروت، دار النفائس، ۱۴۰۸ق؛ **معجم مقاییس اللغة**: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **المغنی**: ابن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛ **المفصل**: جواد علی، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ **من لا یحضره الفقیه**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **نیل الأوطار**: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع.ع.)، ۱۴۱۴ق.

فريده منبری



## أصحاب صفه: ساکنان سایانی در

### انتهای مسجد نبوی

صفه را همانند سقیفه یا سایان دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
از ساکنان صفه نیز به اصحاب صفه، اهل

تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق؛ **تذکره الفقهاء**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت (ع.ع.)، ۱۴۱۶ق؛ **تفسر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)**: القرطبی (م. ۷۱ق.)، به کوشش احمد عبدالعلیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ **تهذیب الاحکام**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ **جامع أحادیث الشیعه**: اسماعیل معزی ملابری، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ق؛ **جواهر الکلام**: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ **الخلاف**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق؛ **دعائم الاسلام**: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ **السرائر**: ابن ادریس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **سنن الترمذی**: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ **السنن الكبرى**: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **الشرح الكبير**: ابن قدامه (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛ **صحیح البخاری**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **صحیح مسلم**: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **العین**: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **فقه القرآن**: الراوندی (م. ۵۷۳ق.)، به کوشش حسینی، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ق؛ **الکافی**: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **کشف الرموز**: الفاضل الآبی (م. ۶۹۰ق.)، به کوشش اشتهااردی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ **المبسوط**: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ **المحلی بالآثار**: ابن حزم

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵؛ مجمع البحرين، ج ۲، ص ۶۱۷ «صفو»؛ تاج العروس، ج ۱۲، ص ۳۲۵، «صفو».